

لحظه‌های تنهایی

علی یار زارعی

ماشین تو چیزی رو که برات خریدیم نیتنی و ندونی چیه.»
نازیلا گفت: «یعنی من همین جا تو ماشین بشینم تا شما برید فروشگاه و برگردید؟»
پدر گفت: «آفرین همین جا ساکت میشینی تا ما بیایم.»
نازیلا سر تکان داد و گفت: «باشه.»

ماشین که جلو فروشگاه با فشار پای پدر به روی پدال ترمز ازحرکت ایستاد پدر و مادر از ماشین پیاده شدند.
مادر گفت: «درهای ماشین رو باز میداری یا قفل می‌کنی؟»
پدر گفت:«در ماشین رو که نمیشه باز گذاشت. اگه یه آقای زنده بقیه‌مه در ماشین بازه ماشین رو با بچه می‌بره.»
مادر گفت: «خیلی خب پر طور که میدونی ولی بچه‌م توماشین خفه نشه». پدر خندید: «ترس یکی از شیشه هارو کیپ، کیپ نمی‌کنم.»

نازیلا توی ماشین تکانی به خود داد و ورجه و وورجه کرد و گفت: «خیالتون راحت من اروم روی صندلی همین جا بازی می‌کنم تا شما برگردید.»

شیشه‌ها که بالاکشیده شدند،نازیلا، رفتن آن‌ها را تا توی فروشگاه دنبال کرد، بعد آرام در روی صندلی عقب نشست و به بیرون نگاه کرد به رفت و آمد آدم‌ها، به گذر ماشین‌ها. صدای بوق ماشین‌ها را گاهی که از کنارش می‌گذشتند، می‌شنید. فکر کرد نیکاش یکی از عروسک‌هایش را آورده بود تا با او بازی می‌کرد اما حالا نمی‌دانست چه کند.

گذشت زمان برای او پرشتاب بود اما برای پدر مادر گذر لحظه‌ها به یاد نیابوردنی بود. گویا نازیلا را از یاد برده بودند، شاید هم نمی‌دانستند که نازیلا حالا تنها توی ماشین، ماشینی که شیشه‌هایش کیپ بالا کشیده شده اند چه می‌کند و چه حالی دارد.

همان زمان که مادر، عروسک زیبایی توی قفسه‌ها پیدا کرده بود، به پدر، نشان داده بود و گفته بود
- «ببین این عروسک قشنگه « نازیلا توی ماشین احساس نفس تنگی می‌کرد، یک نوع احساس ناخوشایند به او دست داده بود احساسی که برایش آشنا نبود.اما حالش را به هم می‌زد، وقتی پدر گفته بود: - «حتما» نازیلا ازش خوشش می‌کرد، هنوز می‌توانست فریاد بزند، هنوز می‌توانست از دیگران کمک بخواهد اما انگار کسی صدایش را نمی‌شنید
انگار کسی این سو و آن سو رفتن‌هایش را برای یافتن راه فراری نمی‌دید. هر لحظه نفسش تنگ‌تر می‌شد، انگار کسی گلویش را می‌گرفت و می‌فشرد، یک نوع کرختی، یک نوع سستی در تمام رگ و پپاش می‌دید. بندش آرام آرام سست می‌شد، دیگر نمی‌توانست به این سو و آن سو برود، دیگر نمی‌توانست فریاد بزند و از کسی کمک بخواهد.

چشمانش دیگر آن درخشندگی را نداشتند. به بیرون که نگاه می‌کرد، آدم‌ها را تار می‌دید مثل سایه، مثل یک شیخ در تاریکی. به صندلی عقب ماشین تکیه داد. حالا دیگر نه می‌توانست درست ببیند و نه درست بشنود. در ماشین که باز شد انگار صدایی شنید، صدایی که مفهومی‌اش را نمی‌فهمید:

- «وای خدایچه‌م.»

مادر که بلند فریاد زد: - «بریم بیمارستان پیش از آن که مردم جمع شوند، پیش از آن که هر کس سوالی بپرسد پدر پایش را روی پدال گاز گذاشت و ماشین به حرکت درآمد.

نازیلا به آیینه نگاه کرد کنجکاوانه نگاه کرد. لبخندی که به پهنای صورتش نشست زیبایی و ملاحظ خاصی به چهره‌اش داد. بساز به آیینه نگاه کرد. انگار از دیدن چهره ی با طراوت خودش خوشش آمده بود، صدای مادر که بلند و رسا توی فضا رها شد تا به نازیلا رسید:

ناگاهی را از آیینه گرفت، مادر که این بار مهربانتر گفت:
- «بیسا بریم دیگه.» نازیلا از جلو آیینه کنار رفت تا به جایی برسد که مادر بود، پدر با دیدن او گفت: - «به به چه پیرهن قشنگی پوشیدی.» مادر گفت: - «دخترم تو هر لباسی قشنگه.» پدر با لبخند گفت: - «معلومه بر منکرش لعنت.» مادر که گوشه‌ی پیراهن نازیلا را مرتب می‌کرد گفت:

- «دخترم آماده‌س حرف نذاره.»

نازیلا جلوتر از همه از در اتاق بیرون رفت.

پدر و مادر حرف نمی‌زدند و به حرف‌ها و شیرین‌زبانی‌های نازیلا گوش می‌دادند.

پدر بیشتر به رو به رو نگاه می‌کرد و به آیینه‌ی بغل راننده. شهر شلوغ بود و پررفت و آمد و در این ساعت روز رانندگی دقت بسیار می‌خواست. پدر بی‌آن که سر برگرداند گفت:

«خب نازیلا خانم چی می‌خوای برات بخریم؟»
نازیلا با ناز و ادای کودکانه لحظه‌ای فکر کرد یک انگشتش را به چانه‌اش گذاشت و گفت: - «یه عروسک بزرگ و قشنگ می‌خوام.» پدر بلند خندید و گفت: - «همین؟ فقط یه عروسک می‌خوای؟»

نازیلا سرش را کیچ کرد و گفت: - «نه بستنی شکلاتی هم می‌خوام.» مادر گفت: - «بستنی شکلاتی که تو مغازه‌ی نزدیک خونه‌مون هم بود، پس میای برات چی؟»

پدر که به رویه رو نگاه می‌کرد گفت:

- «نازیلا به چیزای دیگه بخواه.»

نازیلا سر را تکان داد و گفت: - «مثلاًچی بخوام؟»

پدر گفت: - «من چه می‌دونم، هر چیزی که دوست داری بخواه.»

مادر گفت: - «من بهتر بگم، نازیلا جان هرچی که نداری بخواه.»

نازیلا گفت: - «مثلاً چی بخوام؟»

مادر سربرگرداند طرف نازیلا که روی صندلی عقب نشسته بود و گفت:

- «مثلاً» پیرهن بخواه، کفش بخواه.»

نازیلا پرید وسط حرف مادرش و گفت: - «هو...ع از اینا که زیاد دارم به چیزی برام بخرید که ندارم.»

پدر کمی سرش را به طرف نازیلا چرخاند و گفت: - «اصلا» به چیزی، خودت رو می‌پریم فروشگاه هرچی دوست داری انتخاب کن خوبه؟» نازیلا لحظه‌ای کوتا و گذرا فکرکرد و گفت: - «نه شما خودتون برام به چیزی بخرید که من ندونم چیه، اینطور بهتر.»

پدر گفت: - «خیلی خب همین کار رو می‌کنیم.»

مادر گفت: - «اما تو نباید بدونی ما چی برات خریدیم.»

نازیلا گفت: - «یعنی من باهاتون نیام تو فروشگاه؟»

پدر گفت: - «نه دیگه نباید بیای. اگه بیای که می‌فهمی چی برات خریدیم، ما می‌خوایم تا اون لحظه‌ای آخر که میایم تو

روزنامه‌بازی

روزنامه کیهان – ۱۵ تیر ۱۳۶۰



صفحه اول کیهان پر از خبرهای مهمی است که در آن روزها در کشور وجود داشت: درگیری‌های ایجاد شده توسط منافقین، انفجار حزب جمهوری ی اسلامی، اخبار جنگ و در نهایت انتخاب وزیر امور خارجه توسط مجلس. تیتیر اول کیهان به «حمله سنگین قوای ایرانی به دشت ذهاب» اختصاص داشت. این روزنامه همچنین به نقل از دادستان انقلاب تهران خبر داد که «عامل اصلی انفجار حزب جمهوری اسلامی شناسایی شده است». علی رغم این اعلام، محمدرضا کلاهی عامل این انفجار بود که توانست فرار کند تا سرانجام در سال ۱۳۹۴ در یک عملیات ترور در هلند به قتل رسید. از دیگر اخبار مهم کیهان،

انتخاب «مهندس میرحسین موسوی» به عنوان وزیر امور خارجه از سوی مجلس بود. وی بعد از کسب رای اعتماد، سیاست خارجی ایران را شرح کرد. ترور و شهادت استاندار وقت گیلان توسط منافقین هم از دیگر اخبار مهم این روزنامه بود. مهندس علی انصاری که از هم‌زمان شهید چمران بود در ۲۷ سالگی بعد از انتقال به بیمارستان به شهادت رسید.

چهره‌ها

رضا داوری اردکانی؛ متفکر ایرانی

رضا داوری اردکانی در ۱۵ تیر ۱۳۱۲ در اردکان به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۰ از دانشسرای مقدماتی اصفهان دیپلم گرفت و در مهرماه همان سال به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) درآمد و چندین سال در مدارس شهرهای اردکان، اراک، قم و تهران تدریس کرد. در سال ۱۳۳۴ برای تحصیل در دانشگاه تهران وارد شد و در رشته فلسفه به‌تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۶ به اخذ درجه دکتری نائل آمد. داوری در سال ۱۳۴۶ استادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشیاری نائل آمد و در نهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته فلسفه شد. از مشاغل و سمت‌های اداری این فیلسوف و متفکر و ایرانی می‌توان، ریاست فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۷ تاکنون، عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۶۳، نیابت رئیس انجمن آکادمی‌های علوم انسیا از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶، ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵، سردبیری مجله نامه فرهنگ از ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۵،

سردبیری مجله فرهنگ از ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶، عضویت در شورای عالی یونسکو در ایران، عضویت در هیأت امنای دانشگاه تهران و شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی و همچنین عضویت در بنیاد ایران‌شناسی از ۱۳۷۶ تاکنون را نام برد. استاد رضا داوری اردکانی در سال ۱۳۷۵-۷۶ به عنوان استاد نمونه و پس از آن به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران انتخاب شد و همچنین سال‌ها پژوهش و معلمی فلسفه برای ایشان عنوان چهره‌ماندگار در سال ۱۳۸۱ را به ارمغان آورد. از دیگر افتخارات این استاد فلسفه می‌توان به کسب نشان درجه یک دانش (از ریاست جمهوری) در سال ۱۳۸۴ و همچنین کسب عنوان فارابی‌شناس برجسته ایران و دریافت تندیس ویژه فارابی در نخستین جشنواره بین‌المللی فارابی (از ریاست جمهوری) در سال ۱۳۸۴ اشاره کرد. همچنین وی بیش از ۲۰ عنوان کتاب و بیش از ۱۰۰ عنوان مقاله در موضوعات مختلف فلسفی، فرهنگی، اجتماعی نگاشته است.

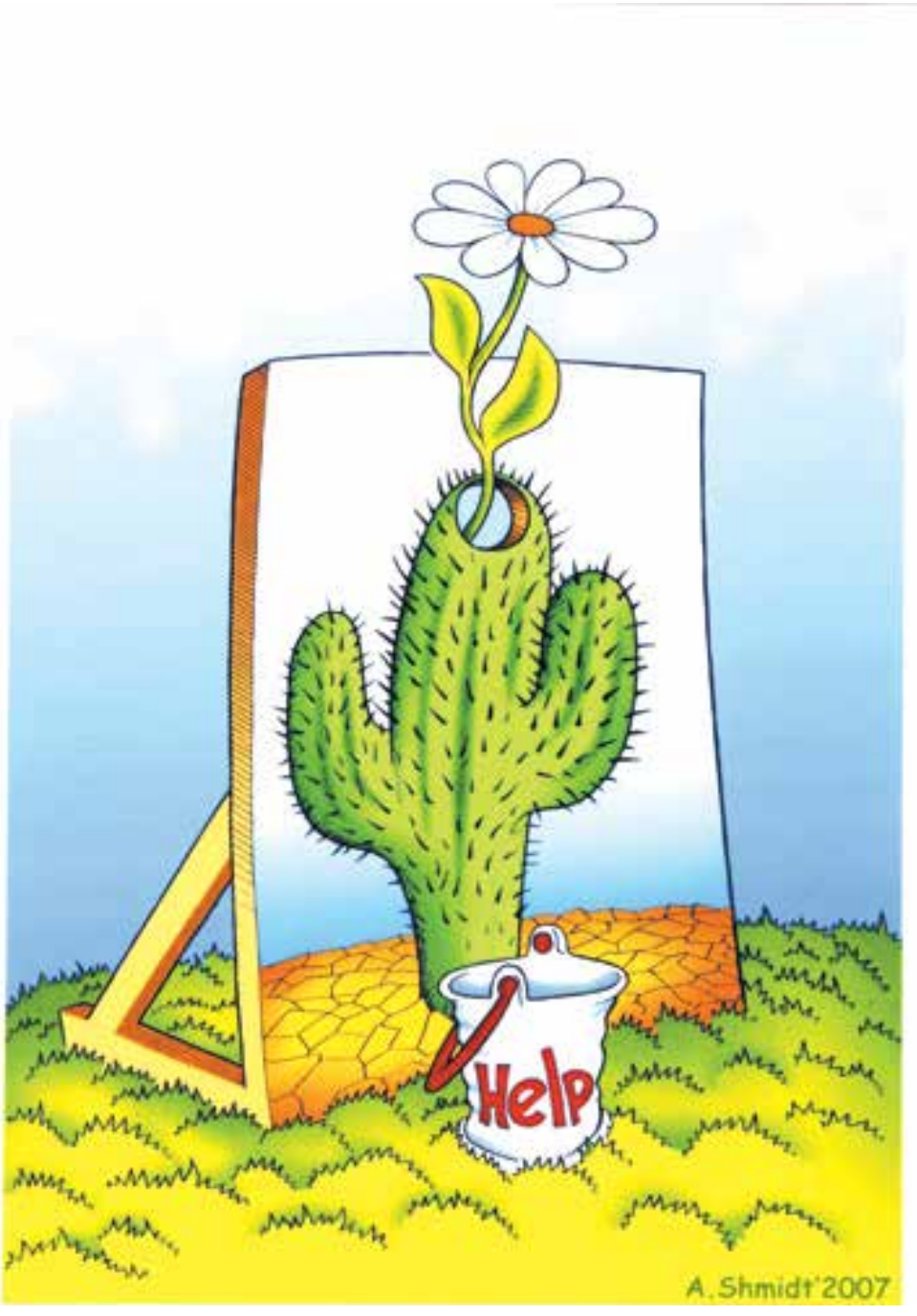
بهنام صفوی؛ خواننده پاپ

سید بهنام صفوی (زاده ۱۵ تیر ۱۳۶۲ در شیراز – درگذشته ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ در اصفهان) خواننده و آهنگساز موسیقی پاپ اهل ایران بود. این خواننده موسیقی پاپ ایرانی پس از تولد به بندر ماهشهر رفته و تا ۱۶ سالگی در آنجا زندگی کرد. تحصیلاتش در مقطع کارشناسی رشته مهندسی عمران است. موسیقی را از دوران کودکی با ساز پیانو به صورت خودآموز آغاز کرده سپس به فراگیری سازهای کوبه‌ای پرداخت. نخستین آلبومش را با نام عشق من باش در سال ۱۳۸۸ روانه بازار کرد. بهنام صفوی جزو بهترین خوانندگان پاپ به‌شمار می‌آید که برگزاری کنسرت‌های داخلی و خارجی و فعالیت‌های اوست، وی درسال۱۳۸۵قطعه تمنا را منتشر کرد که مورد استقبال قرار گرفت وهمین آنگیزه‌ای برای تولید آلبوم عشق من باش شد. صدای بهنام صفوی شباهت زیادی با صدای رضا صادقی دارد. وی از سال ۱۳۹۲ دچار تومور مغزی شده بود که با پیشرفت این بیماری در صبح ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴ مجبور به عمل جراحی سختی شد. حال بهنام صفوی بعد از عمل در ایران

بسیار بهتر شده بود و حتی آلبوم جدید خودش به نام «معجزه» را هم منتشر کرد و کنسرت‌ها و اجراهای زیادی را نیز برگزار نمود. همچنین چندین تک‌آهنگ را هم بعد از عمل خود منتشر کرد، اما در سال ۱۳۹۶ دوباره بیماری وی تشدید شد و این‌بار برای درمان به آلمان سفر کرد و توسط مجید سمیعی در بیمارستان INI در هانوفر آلمان، تحت عمل جراحی دوباره قرار گرفت و بعد از عمل جراحی خود در آلمان به ایران بازگشت. بهنام صفوی در طول سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ درگیر درمان مجدد بود تا اینکه در تاریخ ۵ دی سال ۱۳۹۷ حال او به وخامت کشیده شده و به مدت ۳۳ روز در بیمارستانی در تهران بستری شد. او بعد از این دوره بخاطر وضعیت آب و هوا به اصفهان آمد و با بدتر شدن مجدد حالش در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۹۸ در بیمارستان میلاد اصفهان بستری شد وی بعد از ۲۷ روز بستری شدن در این بیمارستان سرانجام در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ و پس از تحمل شش سال بیماری در بیمارستان میلاد اصفهان در گذشت و در قطعه هنرمندان بهشت معصومه شاهین شهر به خاک سپرده شد.

طرح روز

الکساندر اشمیت



بدون شرح

پیشنهاد

جواد لگزیان

شماره چهارم مجله بارناوا منتشر شد

شماره چهارم دوره جدید فصلنامه فرهنگ و ادبیات -تخصصی ادبیات داستانی- بارناوا، ویژه تابستان ۱۴۰۱ با مدیرمسئولی علی رزاقی‌بهار، توسط شورای سردبیری با عضویت سروش مظفرمقدم، علی صنعوی، محمد میرشاهی، فاطمه زنده‌بودی منتشر شد. دکتر محسن مدیرشانه‌چی، محمدباقر کلاهی‌هری، افشین ششحه‌تبار، هادی تقی‌زاده و رضا سلیمان‌نوری اعضای شورای سیاست‌گذاری فصلنامه فرهنگ و ادبیات بارناوا هستند و این مجله به داستان، روایت، ترجمه داستان، معرفی کتاب و نقد کتاب در ژانر ادبیات داستانی

این شماره از بارناوا با داستان‌ها، یادداشت‌ها، روایت‌ها و ترجمه‌هایی از مهدی غبرایی، کمال بهروز کیا، میروان حلیچهای، حسین لعل‌بذری، سسیده ایراویز، ستاره روشن، کریم بارزی، کامییز حضرتی، امیرحسین یزدان بد، مجتبی هژبری، مجتبی تجلی، مهدی توسی، محسن یآوری، آیدا الهی، جواد ترشیزی، ناهید پورزین و... در ۲۱۴ صفحه ویژه تابستان ۱۴۰۱ منتشر شده است. بخشی از این مجله به معرفی کتاب با دبیری جواد لگزیان اختصاص دارد. این فصلنامه ۵۰ هزار تومان قیمت دارد و علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به کتابفروشی‌های معتبر تهران و مشهد و یا به صورت آنلاین از طریق اینستاگرام این مجله آن را تهیه کنید.



فناوری

هوش مصنوعی چین ذهن خوانی می‌کند

براساس یک گزارش جدید، دولت چین در حال اجرای هوش مصنوعی پیشرفته‌ای برای نظارت بر ذهن ده‌ها تن از مقامات حزب کمونیست برای ارزیابی وفاداری آن‌ها است. به گزارش ایسنا و به نقل از دی‌ان‌امیل، محققان چینی ادعا کردند که نرم افزاری را توسعه داده‌اند که می‌تواند حالات چهره و امواج مغزی را به دقت تجزیه و تحلیل کند تا بررسی کند که آیا افراد به «اندیشه و آموزه‌های سیاسی» توجه دارند یا خیر. پلیس چین در دهه گذشته با استفاده از کلان داده‌ها، یادگیری ماشینی، فناوری تشخیص چهره و هوش مصنوعی به شدت از رقفا یافته است. به گفته دیدی تانگ، خیرنگار تایمز در پکن، این سیستم توسط محققان مرکز جامع علوم ملی هفئی (Hefei) توسعه یافته است. این هوش مصنوعی می‌تواند حالات چهره و امواج مغزی اعضای حزب کمونیست را تجزیه و تحلیل کند تا مشخص شود که آنها تا چه اندازه پذیرای آموزش فکری هستند. تانگ می‌گوید که این فناوری در مقاله‌ای که در اول ژوئیه در اینترنت آلود شد و مدت کوتاهی پس از آن حذف شد، به تفصیل شرح داده شده بود. بر طبق این مقاله‌این سیستم از یک سو می‌تواند نحوه پذیرش اندیشه‌ها و آموزش‌های سیاسی توسط اعضا را مشخص کند و از سوی دیگر، داده‌های واقعی را برای آموزش فکری و سیاسی فراهم کند تا بتوان آن را بهبود بخشید. ویدئویی که همراه با این مقاله منتشر و سپس حذف شد، ورود یک محقق را به یک کیوسک نشان می‌داد، که رو به روی یک صفحه می‌نشیند و به مقالاتی در مورد سیاست‌ها و دستاوردهای حزب نگاه می‌کند. مشخص نیست که آیا فناوری خواندن امواج مغزی در کیوسک قرار دارد یا خیر، یا اینکه چگونه این سیستم برای نظارت بر میلیون‌ها عضو حزب کمونیست در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد چین پیش از این نیز از سیستم‌هایی برای خواندن امواج مغزی افراد استفاده کرده است. براساس گزارشی از ساوت چاینا مورنینگ پست، این کشور در سال ۲۰۱۸، گزارش داد که از فناوری اسکن مغز بر روی کارگران کارخانه‌ای در هاگژو استفاده می‌کند. این سیستم شامل استفاده از کلاه‌هایی برای ارزیابی احساسات کارگرها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تشخیص احساساتی مانند افسردگی، اضطراب یا خشم بود. سال گذشته نیز فاش شد که چین یک دادستان هوش مصنوعی ایجاد کرده است که می‌تواند با دقت بیش از ۹۷ درصد افراد را متهم به جرایم کند. این سیستم که با استفاده از ۱۷ هزار پرونده واقعی از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ آموزش داده شده و قادر به شناسایی هشت جنایت رایج در شانگهای است. این اتهامات شامل جعل کارت اعتباری، جرایم مربوط به قمار، رانندگی خطرناک، زدنی، کلاهبرداری و آسیب‌رساندن عمدی و ممانعت از انجام وظایف رسمی است.

قاب

رویترز



تجمع اعتراضی فعالان محیط زیستی در مقابل ساختمان وزارت حمل و نقل آلمان در شهر برلین

مردم‌سالاری

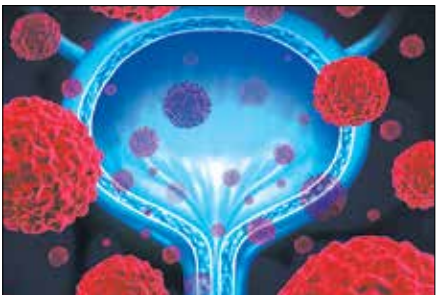
روزنامهٔ اجتماع-سیاسی-فرهنگی واکتصالی

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول:مصطفی کواکبیان
نشانی:اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalaridaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalaridaily1
آدرس تحریریه: آتوبان شیخ‌فصل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹-۸۸۲۸۲۲۴
فکس: ۸۸۲۴۲۰۹۴
رته روزانه:۳
جابه‌نشر ریحان- تلفن: ۶۵۶۰۷۱۷

اتان صبح:۶:۰۶ طلوع آفتاب:۵:۵۴
ظهور:۱۳:۰۹
اتان مغرب:۴:۴۴
چهارشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۱
۶:۱۵بجه ۱۴۴۴-۶ جولای ۲۰۲۳- شماره ۵۷۵۵

دانستنی‌ها

تاثیر مثبت یک دارو در نجات بیماران مبتلا به سرطان مثانه



بررسی جدید پژوهشگران اروپایی، تاثیر مثبت یک دارو را در نجات بیماران مبتلا به سرطان مثانه نشان می‌دهد. به گزارش ایسنا و به نقل از وب‌سایت رسمی انجمن اورولوژی اروپا (EAU)، پژوهشگرانی که گروهی از بیماران مبتلا به سرطان مثانه را پس از جراحی با داروی آتزیولیزومب درمان کردند، دریافتند بیماری‌های که خون آنها حاوی DNA تومور در گردش (ctDNA) است، پاسخ بسیار خوبی به این نوع درمان می‌دهند.

این پژوهش، بخشی از فاز سوم یک کارآزمایی بزرگ موسوم به «IMvigor۰۱۰» است که بررسی می‌کند آیا تجویز آتزیولیزومب به بیماران تا یک سال پس از جراحی مثانه، می‌تواند بقای بیماران را بهبود بخشد یا خیر. پژوهشگران، ایسن بیماران را با گروهی از بیماران که هیچ درمان دیگری پس از جراحی دریافت نکرده بودند، مقایسه کردند.

اگرچه این کارآزمایی، تفاوت معنی‌داری را در تخمین زدن بقای کلی دو گروه تحت درمان پیدا نکرد، اما پژوهشگران متوجه شدند که زیرگروهی از بیماران که دارای ctDNA مثبت بودند، هنگامی که آتزیولیزومب مصرف کردند، بهبود قابل توجهی را نشان دادند. این مزایا شامل افزایش میزان بقا بود که در بیماران دارای ctDNA منفی مشاهده نشد. علاوه بر این، پژوهشگران دریافتند بیماری‌های که دارای ctDNA مثبت بودند، اما پس از درمان با آتزیولیزومب به ctDNA منفی تبدیل شدند، در نهایت پیش‌آگهی خوبی داشتند.

ctDNA شامل قطعاتی از DNA است که از سلول‌های سرطانی و تومورهایی که در جریان خون یافت می‌شوند، به جا می‌ماند.

اگرچه ctDNA گاهی اوقات به عنوان یک نشانگر زیستی امیدوارکننده و کم‌تهاجمی در آنکولوژی بالینی ظاهر شده است، اما هنوز به طور گسترده برای تشخیص و درمان استاندارد سرطان استفاده نمی‌شود.

این روش شامل تعیین توانایی ژن خاص تومور برای هر بیمار است، بنابراین زمان‌بر و در حال حاضر نسبتاً گران به شمار می‌رود.

پروفیسور یورگن گشوند استاد دانشگاه فنی مونیخ (TU Munich) گفت: ما پیشتر می‌دانستیم بیماری‌های که ctDNA مثبت هستند، در مقایسه با بیماران ctDNA منفی، پیش‌آگهی بدی دارند؛ اما این نخستین بار است که می‌توانیم نشان دهیم که بسا ایمنی‌درمانی می‌توانیم روند بیماری را با توجه به وضعیت ctDNA بیمار تغییر دهیم. وی افزود: اگر نتوانیم ثابت کنیم که فعالیت دارویی با وضعیت ctDNA مرتبط است و بیماران برخطر از آن سود خواهند برد، می‌توان گفت که دارو به مرور زمان، مسیر درمان استاندارد را تغییر می‌دهد و نهایتاً میانگین هزینه تجزیه و تحلیل ctDNA را کاهش می‌دهد. پروفیسور مورگان روبرت، از پژوهشگران این پروژه گفت: حوزه پزشکی شخصی‌سازی‌شده نه تنها از شاخص‌های بالینی، بلکه از شاخص‌های مولکولی استفاده می‌کند. بنابراین، تجزیه و تحلیل ctDNA، بسیار جالب است. انجام دادن این کار با فناوری‌های جدید، نسبتاً آسان است و به این معناست که می‌توانیم زیرمجموعه‌ای از بیماران را انتخاب کنیم که احتمالاً واکنش مثبتی نشان می‌دهند.

فیلم بازی

عواقب



عواقب (با نام سابق ۴۷۸) فیلمی درام و دلپه‌آور به کارگردانی الیوت لستتر و فیلمنامه‌ای از خاویر گالن است که در ماه آوریل سال ۲۰۱۷ عرضه شد.

در این فیلم آرنولد شووارتزنگر دومین نقش آفرینی درام خود را تجربه کرد.

داستان فیلم مربوط به ماجرای واقعی سقوط هواپیمایی در ژوئیه ۲۰۰۲ و اتفاقاتی است که طی ۴۷۸ روز بعد از آن رخ داد. فیلم داستان مردی به نام رومان ملنیک را به تصویر می‌کشد که همسر و فرزندش در سانحه هوایی کشته شده‌اند. مقصر این امر اشتباه مسئول برج مراقبت جیکوب یونائوس بوده‌است.

پلیس این شخص را تحت مراقبت قرار می‌دهد ولی رومان به این سادگی دست بردار نیست و در پی انتقام است.

بازیگران:آرنولد شووارتزنگر در نقش رومان ملنی (براساس داستان زندگی ویتالی کالویف)، اسکوت مکتری در نقش جیکوب یونائوس، مکی گریس در نقش کریستینا، مارتین داناوان در نقش رابرت، هانا ور در نقش تسلا، ماریانا کلانوو در نقش ایو ساندرس، کوین ریگزدر نقش جان گالیک و لری سالیوان در نقش جیمز گالیک.